

Submit Date: 21 January 2026
Revise Date: 11 June 2026
Accept Date: 18 June 2026
Initial Publish: 27 July 2026
Final Publish: 22 December 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Feasibility of Recognizing Digital Currencies and Virtual Assets as Mahr: A Jurisprudential and Legal Analysis

Monireh Nikoeiha^{1*}, Mitra Hosseinian²

1. MA, Department of Private Law, Ershad Non-profit Higher Education Institute, Damavand, Iran
2. Faculty Member, Ershad Non-Profit Higher Education Institute, Damavand, Iran

* Corresponding Author's Email: monika.nikoeiha@gmail.com

ABSTRACT

The rapid development of financial technologies and the expansion of the digital economy have led to the emergence of novel forms of assets, the most prominent of which are digital currencies and other virtual assets based on blockchain technology. Despite lacking traditional physical backing, these assets have gradually acquired a significant position in economic relations due to their economic value, transferability, storage capability, and relative public acceptance. Consequently, the introduction of this emerging phenomenon into the domain of family law, particularly the institution of mahr (dower), has raised numerous jurisprudential and legal questions. On the one hand, the validity of a mahr depends upon the subject matter possessing proprietary value, rational utility, and the capacity for ownership and delivery. On the other hand, the intangible nature of digital currencies, their substantial price volatility, legal uncertainties, and certain jurisprudential concerns have cast doubt on their eligibility to serve as mahr. Employing a descriptive-analytical method and drawing upon the sources of Imamiyya jurisprudence, Iranian legal provisions, and contemporary scholarship on technology law, this study examines the possibility of recognizing digital currencies and virtual assets as mahr. The findings indicate that, provided their customary proprietary value, lawful utility, transferability, and deliverability are established, the designation of digital currencies and certain virtual assets as mahr is compatible with the principles of Imamiyya jurisprudence and Iranian law. Nevertheless, due to extreme value fluctuations, technological risks, legislative ambiguities, and the possibility of gharar (excessive uncertainty) in certain instances, specific conditions and regulatory safeguards should be taken into consideration. Accordingly, digital currencies are not inherently disqualified from serving as mahr; rather, their legitimacy depends on satisfying the general legal and jurisprudential requirements applicable to property and mahr in each particular case.

Keywords: Mahr, Digital Currency, Cryptocurrency, Virtual Asset, Blockchain, Proprietary Value, Imamiyya Jurisprudence, Family Law.

How to cite: Nikoeiha, M. & Hosseinian, M. (2027). Feasibility of Recognizing Digital Currencies and Virtual Assets as Mahr: A Jurisprudential and Legal Analysis. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(5), 1-24.



تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۲۱ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۲۸ خرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۵ مرداد ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

امکان سنجی فقهی حقوقی تعیین ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به عنوان مهریه

منیره نیکوئیها^{۱*}، میترا حسینیان^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی ارشاد، دماوند، ایران

۲. عضو هیات علمی، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی ارشاد، دماوند، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: monika.nikoeiha@gmail.com

چکیده

تحولات شتابان فناوری‌های مالی و گسترش اقتصاد دیجیتال موجب ظهور گونه‌های نوینی از دارایی‌ها شده است که مهم‌ترین آن‌ها ارزشهای دیجیتال و سایر دارایی‌های مجازی مبتنی بر فناوری بلاک‌چین هستند. این دارایی‌ها به‌رغم فقدان پشتوانه فیزیکی سنتی، به دلیل برخورداری از ارزش اقتصادی، قابلیت نقل و انتقال، قابلیت ذخیره‌سازی و پذیرش عمومی نسبی، به تدریج جایگاه ویژه‌ای در روابط اقتصادی اشخاص یافته‌اند. در همین راستا، ورود این پدیده نوظهور به حوزه حقوق خانواده و به‌ویژه نهاد مهریه، پرسش‌های فقهی و حقوقی متعددی را مطرح ساخته است. از یک سو، صحت تعیین مهریه منوط به برخورداری موضوع آن از مالیت، منفعت عقلایی و قابلیت تملک و تسلیم است و از سوی دیگر، ماهیت غیرمادی، نوسانات شدید قیمتی، ابهامات قانونی و برخی چالش‌های فقهی پیرامون ارزشهای دیجیتال، امکان قرار گرفتن آن‌ها در زمره مهریه را محل تردید ساخته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقه امامیه، مقررات حقوقی ایران و ادبیات نوین حقوق فناوری، به بررسی امکان شناسایی ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به عنوان مهریه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با احراز مالیت عرفی، مشروعیت منفعت، قابلیت نقل و انتقال و امکان تسلیم، اصل تعیین ارزشهای دیجیتال و برخی دارایی‌های مجازی به عنوان مهریه با موازین فقه امامیه و حقوق ایران قابل جمع است؛ هرچند به دلیل نوسانات شدید ارزش، مخاطرات فناورانه، ابهامات تقنینی و احتمال بروز غرر در برخی مصادیق، لازم است شروط و ضوابط مشخصی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، ارزشهای دیجیتال فی‌نفسه فاقد مانع ذاتی برای مهریه بودن نیستند، بلکه مشروعیت آن‌ها تابع احراز شرایط عمومی مال و مهریه در هر مورد خواهد بود.

کلیدواژگان: مهریه، ارزش دیجیتال، رمزارز، دارایی مجازی، بلاک‌چین، مالیت، فقه امامیه، حقوق خانواده.

نحوه استناددهی: نیکوئیها، منیره، و حسینیان، میترا. (۱۴۰۶). امکان سنجی فقهی حقوقی تعیین ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به عنوان مهریه. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۵)، ۱-۲۴.

مقدمه

تحولات فناورانه دهه‌های اخیر، به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات، ارتباطات و اقتصاد دیجیتال، مفاهیم سنتی حاکم بر دارایی، مالکیت و مبادلات اقتصادی را با دگرگونی‌های عمیقی مواجه ساخته است. ظهور فناوری بلاک‌چین و توسعه شبکه‌های غیرمتمرکز موجب شکل‌گیری نسل جدیدی از دارایی‌ها شده است که برخلاف اموال متعارف، فاقد نمود فیزیکی بوده، اما از ارزش اقتصادی و قابلیت دادوستد برخوردارند. ارزهای دیجیتال، توکن‌های رمزنگاری شده، دارایی‌های مبتنی بر بلاک‌چین، توکن‌های غیرمثلی (NFT) و اموال مجازی موجود در محیط‌های متاورسی، از مهم‌ترین مصادیق این تحول به شمار می‌آیند. گسترش روزافزون استفاده از این ابزارها در عرصه‌های سرمایه‌گذاری، پرداخت، تجارت و انتقال ارزش سبب شده است که بخش قابل توجهی از ثروت اشخاص در قالب دارایی‌های دیجیتال نگهداری شود؛ دارایی‌هایی که اگرچه فاقد وجود مادی‌اند، اما در عرف اقتصادی و بازارهای مالی از ارزش مبادله‌ای قابل توجهی برخوردارند (Morad Nabz-e & Kafi-Mousavi, 2021)؛ (Danesh Authors, 2019).

هم‌زمان با این تحولات، مفهوم «مال» نیز در حقوق خصوصی دچار توسعه مفهومی شده است. هرچند قانون مدنی ایران تعریف جامعی از مال ارائه نکرده است، اما حقوق‌دانان عموماً مال را چیزی می‌دانند که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت اختصاص یافتن به شخص معین را داشته باشد (Jafari Langroudi, 2007)؛ (Jafari Langroudi, 1994). در نتیجه، قلمرو مال از اشیای مادی فراتر رفته و حقوق مالی، منافع، امتیازات، حق سرقفلی، مالکیت‌های فکری و سایر دارایی‌های غیرمادی را نیز دربر گرفته است (Katouzian, 2007b)؛ (Safaei, 2010). در فقه امامیه نیز اگرچه مالیت مفهومی عرفی تلقی می‌شود، اما فقها معیارهایی نظیر مطلوبیت عقلایی، قابلیت اختصاص، امکان انتفاع مشروع و

ارزش اقتصادی را برای تحقق عنوان مال کافی دانسته‌اند (Mohaqeq Damad, 2002)؛ (Ansari, 1990).

یکی از حوزه‌هایی که به‌طور مستقیم از این تحولات متأثر شده، نهاد مهریه در حقوق خانواده است. مهریه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد نکاح، جایگاه ویژه‌ای در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران دارد و قانون‌گذار در ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر کرده است که هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد. گستردگی این حکم نشان می‌دهد که قانون‌گذار از ابتدا رویکردی منعطف نسبت به موضوع مهریه اتخاذ کرده و آن را محدود به اموال مادی یا اشیای معین ندانسته است (Emami, 2007)؛ (Safaei & Emami, 2013). بررسی تاریخی نیز نشان می‌دهد که مصادیق مهریه همواره متناسب با تحولات اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده و از سکه، زمین و اموال عینی گرفته تا منافع، حقوق مالی و تعهدات مختلف را دربر گرفته است (Katouzian, 2007a).

با وجود این، ورود ارزهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به قلمرو روابط خانوادگی و تعیین آن‌ها به‌عنوان مهریه، پرسش‌های نوینی را در حوزه فقه و حقوق مطرح کرده است. نخستین پرسش به ماهیت حقوقی این دارایی‌ها بازمی‌گردد. برخی پژوهشگران با تأکید بر وجود ارزش اقتصادی، قابلیت نقل و انتقال و امکان اختصاص، رمزارزها را در زمره اموال قرار می‌دهند (Khademan et al., 2021)؛ در مقابل، برخی دیگر به دلیل فقدان پشتوانه فیزیکی یا دولتی، نوسانات شدید ارزش و ابهام در وضعیت تقنینی، در پذیرش کامل مالیت آن‌ها تردید کرده‌اند (Mirzakhani, 2017).

مسئله دیگر، انطباق ارزهای دیجیتال با شرایط شرعی و قانونی مهریه است. مطابق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، مهر باید دارای مالیت، منفعت عقلایی، قابلیت تملک و امکان تسلیم باشد (Hilli, 1989)؛ (Najafi, 1989). از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود

امکان اجرا و شیوه جبران خسارات ناشی از نوسانات شدید قیمت شود (Islamic Parliament Research, 2019).

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران واجد شرایط لازم برای قرار گرفتن در جایگاه مهریه هستند یا خیر؟ همچنین، در صورت پذیرش اصل امکان تعیین آن‌ها به عنوان مهریه، حدود، شرایط و آثار فقهی و حقوقی این امر چیست و چه راهکارهایی برای رفع ابهامات و چالش‌های موجود می‌توان ارائه کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند گامی مؤثر در انطباق نهادهای سنتی حقوق خانواده با اقتضات اقتصاد دیجیتال و تحولات نوین روابط مالی در جامعه معاصر باشد.

مفهوم‌شناسی

تحلیل فقهی و حقوقی موضوع امکان تعیین ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به عنوان مهریه، تا حد زیادی به تلقی ما از مفاهیمی چون ارزش دیجیتال، دارایی مجازی، مال و مهریه وابسته است. از این رو، پیش از ورود به مباحث تحلیلی، لازم است این مفاهیم مورد بررسی قرار گیرند.

مفهوم ارزشهای دیجیتال

ارزش دیجیتال یا رمزارز، پدیده‌ای نوظهور در عرصه اقتصاد دیجیتال است که با ظهور فناوری بلاک‌چین و نظام‌های غیرمتمرکز مالی گسترش یافته است. در یک تعریف کلی، ارزش دیجیتال نوعی داده رمزنگاری شده است که در بستر الکترونیکی ایجاد و مبادله می‌شود و می‌تواند به عنوان وسیله انتقال ارزش مورد استفاده قرار گیرد (Nouri & Navabpour, 2018).

برخلاف پول‌های رایج که انتشار و کنترل آن‌ها در اختیار بانک‌های مرکزی قرار دارد، اغلب ارزشهای دیجیتال در شبکه‌های غیرمتمرکز فعالیت می‌کنند و اعتبار آن‌ها ناشی از سازوکارهای فنی شبکه و پذیرش کاربران است. مهم‌ترین ویژگی این ارزش‌ها استفاده از فناوری زنجیره بلوکی یا بلاک‌چین است که امکان ثبت دائمی،

که آیا دارایی‌های دیجیتال نیز همانند سایر اموال می‌توانند واجد این شرایط باشند یا خیر. اهمیت این پرسش زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم برخی از فقها و پژوهشگران معاصر، وجود ابهام شدید در ارزش یا قابلیت بهره‌برداری از موضوع معامله را از مصادیق غرر دانسته‌اند (Ansari, 1990)؛ (Soltani-Fard & Mohammadi, 2025).

از سوی دیگر، مشروعیت فقهی ارزشهای دیجیتال نیز محل بحث و اختلاف نظر است. گروهی از صاحب‌نظران با استناد به اصل اباحه، بنای عقلا و تحقق مالیت عرفی، رمزارزها را مشروع و قابل معامله می‌دانند (Roshan et al., 2019)؛ در حالی که برخی دیگر با استناد به احتمال ورود ضررهای گسترده اقتصادی، سفته‌بازی شدید و فقدان پشتوانه معتبر، نسبت به مشروعیت برخی مصادیق آن تردیدهایی مطرح کرده‌اند (Nasr Azadani & Zolikhaei, 2023).

علاوه بر رمزارزها، توسعه مفهوم دارایی‌های مجازی موجب شده است که اموالی نظیر زمین‌های متاورسی، توکن‌های غیرمثلی و سایر دارایی‌های دیجیتال نیز وارد عرصه مبادلات اقتصادی شوند. امروزه این دارایی‌ها در برخی کشورها با مبالغ قابل توجهی معامله می‌شوند و ارزش اقتصادی مستقلی یافته‌اند. همین امر این پرسش را مطرح می‌کند که آیا معیارهای فقهی و حقوقی حاکم بر مالیت و مهریه، قابلیت تسری به چنین دارایی‌هایی را نیز دارد یا خیر (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023)؛ (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024).

از منظر اجتماعی نیز موضوع حاضر دارای اهمیت ویژه‌ای است. افزایش هزینه‌های ازدواج، تغییر الگوهای سرمایه‌گذاری نسل جوان، رشد بازار دارایی‌های دیجیتال و تمایل برخی زوجین به تعیین رمزارزها به عنوان مهریه، ضرورت ارائه پاسخ روشن به این مسئله را دوچندان ساخته است. نبود ضابطه مشخص در این زمینه می‌تواند موجب بروز اختلاف در تعیین ارزش مهریه، نحوه مطالبه،

مصادیق این دسته از دارایی‌ها هستند (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

وجه مشترک همه این دارایی‌ها آن است که اگرچه وجود مادی و فیزیکی ندارند، اما می‌توانند موضوع مالکیت، نقل و انتقال، سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری اقتصادی قرار گیرند. توسعه اقتصاد دیجیتال موجب شده است که ارزش برخی از این دارایی‌ها به اندازه بسیاری از اموال سنتی و حتی بیش از آن‌ها باشد (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024).

در اسناد و مطالعات حقوقی جدید، دارایی مجازی معمولاً به هر نمایه دیجیتالی ارزش اطلاق می‌شود که قابلیت انتقال یا مبادله داشته و بتواند در روابط اقتصادی نقش‌آفرین باشد (Naserian & Farmanesh, 2026). از این منظر، معیار اصلی شناسایی دارایی مجازی، ارزش اقتصادی و قابلیت انتساب آن به شخص معین است.

مفهوم مال و مالیت

مفهوم مال، زیربنایی مهم در حقوق خصوصی و فقه معاملات به شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیاری از نهادهای حقوقی، از جمله مهریه، دارد. با وجود اهمیت فراوان این مفهوم، قانون مدنی تعریف جامعی از مال ارائه نکرده و تبیین آن عمدتاً بر عهده فقه و دکترین حقوقی قرار گرفته است.

در حقوق ایران، مال معمولاً به چیزی اطلاق می‌شود که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت اختصاص یافتن به شخص معین را داشته باشد (Jafari Langroudi, 2007). برخی حقوقدانان نیز مال را هر چیزی دانسته‌اند که نیاز انسان را برطرف کرده و در روابط اجتماعی دارای ارزش مبادله‌ای باشد (Katouzian, 2007b).

در فقه امامیه نیز مفهوم مال بیش از آنکه ماهیتی قانونی داشته باشد، مفهومی عرفی تلقی می‌شود. بسیاری از فقها معتقدند هر چیزی که نزد عقلا مطلوب بوده و در برابر آن عوض پرداخت شود، مال

شفاف و غیرقابل‌تغییر اطلاعات تراکنش‌ها را فراهم می‌آورد (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021).

در ادبیات اقتصادی، رمزارزها گاه به‌عنوان ابزار پرداخت، گاه به‌عنوان ذخیره ارزش و در مواردی به‌عنوان دارایی سرمایه‌گذاری معرفی می‌شوند (Hasanzadeh et al., 2017). بیت‌کوین، اتریوم و سایر رمزارزهای شناخته‌شده نیز بر همین مبنا در بازارهای جهانی مورد معامله قرار می‌گیرند و ارزش آن‌ها تابع عرضه، تقاضا و میزان پذیرش عمومی است (Nabz-e Danesh Authors, 2019).

از منظر حقوقی، درباره ماهیت ارزهای دیجیتال اتفاق‌نظر کاملی وجود ندارد. برخی آن‌ها را نوعی مال اعتباری نوین می‌دانند که ارزش آن از توافق و اعتماد عمومی ناشی می‌شود (Sadeghi & Amiri, 2022)، در حالی که برخی دیگر آن‌ها را در زمره دارایی‌های مستقل دیجیتالی قرار می‌دهند که دارای ویژگی‌های خاص اقتصادی و حقوقی هستند (Khademan et al., 2021). با وجود این اختلاف‌ها، آنچه کمتر مورد تردید قرار گرفته، قابلیت دادوستد و ارزش اقتصادی این پدیده در عرف اقتصادی معاصر است (Roshan et al., 2019).

مفهوم دارایی‌های مجازی

دارایی مجازی مفهومی عام‌تر از ارز دیجیتال است و تمامی اموال و حقوق دارای ارزش اقتصادی را که در محیط‌های دیجیتالی ایجاد، نگهداری یا منتقل می‌شوند، دربر می‌گیرد. بر این اساس، رمزارزها تنها یکی از مصادیق دارایی‌های مجازی محسوب می‌شوند.

در سال‌های اخیر، توسعه فناوری‌های نوین موجب ظهور انواع جدیدی از دارایی‌های مجازی شده است. توکن‌های غیرمثلی (NFT)، آثار هنری دیجیتال، زمین‌ها و املاک متاورسی، دارایی‌های درون بازی‌های رایانه‌ای، حساب‌های کاربری دارای ارزش اقتصادی و برخی حقوق دیجیتالی، از جمله مهم‌ترین

محسوب می‌شود (Ansari, 1990)؛ (Naini, 1992). بر همین اساس، ملاک تحقق مالیت، ارزش اقتصادی و منفعت عقلایی است و منحصر به اشیای مادی نیست.

پذیرش حقوق مالی غیرمادی در نظام حقوقی معاصر نیز مؤید همین رویکرد است. امروزه حقوق مالکیت فکری، حق اختراع، حق تألیف، سرقفلی و سهام شرکت‌ها، علی‌رغم نداشتن وجود فیزیکی، در زمره اموال قرار می‌گیرند (Sadeghi Neshat, 1997)؛ (Katouzian, 2007b). بنابراین، غیرمادی بودن یک پدیده به‌خودی‌خود مانع شناسایی آن به‌عنوان مال نیست.

مفهوم مهریه

مهریه یا صداق یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد نکاح در فقه اسلامی و حقوق ایران است. مهر مالی است که به موجب عقد ازدواج، زن مالک آن می‌شود و مرد متعهد به پرداخت آن خواهد بود (Najafi, 1989).

فقه‌های امامیه مهر را حقی مالی برای زن دانسته‌اند که به محض انعقاد عقد نکاح در ذمه زوج قرار می‌گیرد و زوجه حق مطالبه آن را خواهد داشت (Hilli, 1989). در حقوق ایران نیز ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد که زن به مجرد وقوع عقد، مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی در آن انجام دهد.

حقوقدانان مهر را یکی از مهم‌ترین آثار مالی نکاح معرفی کرده‌اند که هرچند جزء ارکان عقد نکاح محسوب نمی‌شود، اما از آثار قانونی و مالی مهم آن به شمار می‌رود (Emami, 2007). به اعتقاد برخی نویسندگان، مهریه افزون بر کارکرد اقتصادی، دارای کارکرد حمایتی نیز هست و به تأمین امنیت مالی زوجه کمک می‌کند (Safaei & Emami, 2013).

مفهوم مهریه در بستر تحولات اقتصادی نوین

نهاد مهریه در طول تاریخ همواره متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع بوده است. در دوره‌های مختلف، انواع گوناگونی از اموال، اعم از سکه، زمین، خانه، منافع، حقوق مالی و حتی برخی

اعمال مشروع، به‌عنوان مهر تعیین شده‌اند (Katouzian, 2007a).

گسترش اقتصاد دیجیتال و ظهور اشکال نوین دارایی، پرسش‌های تازه‌ای را درباره قلمرو موضوع مهریه مطرح کرده است. اگر معیار اصلی در تعیین مهر، مالیت و قابلیت تملک باشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دارایی‌های دیجیتالی و مجازی نیز می‌توانند همانند سایر اموال، موضوع مهر قرار گیرند یا خیر؟

پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی دقیق وضعیت فقهی و حقوقی این دارایی‌هاست. از یک سو، توسعه مفهوم مال در نظام‌های حقوقی معاصر، زمینه پذیرش اشکال جدید ثروت را فراهم ساخته و از سوی دیگر، قواعد فقهی ناظر بر مالیت، مشروعیت، غرر و قابلیت تسلیم باید درباره این دارایی‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. از این‌رو، پس از تبیین مفاهیم اصلی، ضروری است مبانی فقهی و حقوقی شناسایی ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مال مورد مطالعه قرار گیرد.

مبانی فقهی و حقوقی شناسایی ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مال

همان‌گونه که بیان شد، مهم‌ترین پیش‌شرط امکان تعیین هر چیزی به‌عنوان مهریه، برخورداری آن از وصف «مالیت» است. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهر قرار داد». بنابراین، پیش از بررسی شرایط اختصاصی مهریه در خصوص ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی، لازم است ابتدا وضعیت این پدیده‌ها از منظر مالیت مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع، اگر رمزارزها و سایر دارایی‌های مجازی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران در شمار اموال قرار نگیرند، بحث درباره قابلیت تعیین آن‌ها به‌عنوان مهریه نیز منتفی خواهد بود. از این‌رو، در این بخش تلاش می‌شود با تکیه بر مبانی فقهی و حقوقی، معیارهای مالیت تبیین و سپس وضعیت

نقش عرف در احراز مالیت

یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی در شناسایی اموال نوظهور، جایگاه عرف در تشخیص و احراز مالیت است. در فقه امامیه، مفهوم مال از مفاهیم تأسیسی شرع محسوب نمی‌شود، بلکه از مفاهیم عرفی است که شارع مقدس در بسیاری از موارد، تشخیص مصادیق آن را به عرف عقلا واگذار کرده است. به همین دلیل، فقها غالباً معتقدند که مالیت امری ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه مفهومی پویا و وابسته به شرایط زمانی، مکانی و نیازهای اقتصادی جوامع انسانی است. هرگاه عرف عقلا برای شیئی ارزش اقتصادی قائل باشد و آن را موضوع دادوستد قرار دهد، اصل بر تحقق مالیت آن است؛ مگر آنکه شارع به دلیل خاصی آن را از دایره مشروعیت خارج کرده باشد (Khomeini, 2000).

مبنای این دیدگاه را می‌توان در بسیاری از متون فقهی مشاهده کرد. راغب اصفهانی در تعریف مال بیان می‌کند که مال چیزی است که انسان به آن میل و رغبت داشته باشد و امکان حفظ و انتفاع از آن وجود داشته باشد (Raghib Isfahani, 1991). این تعریف، بیش از آنکه بر ویژگی‌های مادی تأکید کند، بر مطلوبیت و ارزش عرفی تکیه دارد. همچنین ابن‌منظور در لسان العرب، مال را هر چیزی می‌داند که قابلیت تملک و انتفاع داشته باشد (Ibn Manzur, 1993).

فقه‌های امامیه نیز در موارد متعدد به عرف به‌عنوان معیار تشخیص مالیت استناد کرده‌اند. شیخ انصاری در مباحث بیع، ارزش اقتصادی و رغبت عقلا را از مهم‌ترین عناصر تحقق مالیت معرفی می‌کند و تصریح دارد که مالیت تابع نظر عرف است (Ansari, 1990). محقق کرکی نیز در بحث شرایط مورد معامله، ارزش مالی را وابسته به تشخیص عرف دانسته و معتقد است آنچه نزد عقلا مطلوب و قابل مبادله باشد، مال محسوب می‌شود (Mohaqeq Karaki, 1990). همین رویکرد در آثار صاحب جواهر نیز

ارزهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی بر اساس این معیارها بررسی شود.

معیارهای مالیت در فقه امامیه

فقه امامیه از گذشته تاکنون با مسئله تشخیص مال و قلمرو آن مواجه بوده است. هرچند فقها تعریف واحد و اصطلاحی جامعی از مال ارائه نکرده‌اند، اما از مجموعه مباحث فقه معاملات می‌توان معیارهای نسبتاً روشنی برای احراز مالیت استخراج کرد. بررسی آثار فقه‌های امامیه نشان می‌دهد که مالیت، بیش از آنکه مفهومی تبعیدی باشد، مفهومی عرفی است و تشخیص آن تا حد زیادی به عرف عقلائی واگذار شده است (Ansari, 1990).

شیخ مرتضی انصاری در بحث شرایط مورد معامله، مال را چیزی می‌داند که عقلا نسبت به آن رغبت داشته باشند و برای تحصیل آن حاضر به پرداخت عوض شوند (Ansari, 1990). این دیدگاه بعدها مورد پذیرش بسیاری از فقه‌های متأخر قرار گرفت. صاحب جواهر نیز در موارد مختلف، ملاک مالیت را وجود مطلوبیت عرفی و رغبت عقلا معرفی می‌کند (Najafi, 1989).

بر همین اساس، در فقه امامیه سه عنصر اساسی برای تحقق مالیت قابل شناسایی است: وجود منفعت عقلائی، ارزش اقتصادی در عرف و قابلیت اختصاص به شخص معین. هرگاه این عناصر در موضوعی جمع شوند، عرف آن را مال تلقی خواهد کرد؛ خواه آن موضوع عین مادی باشد یا حق و منفعتی غیرمادی (Mohaqeq Karaki, 1990).

نکته مهم آن است که فقه‌های امامیه مالیت را منحصر به اشیای مادی ندانسته‌اند. شناسایی منافع اعیان، حق تحجیر، حق اختصاص و برخی حقوق مالی در فقه، نشان می‌دهد که وجود خارجی و فیزیکی شرط تحقق مالیت نیست و آنچه اهمیت دارد، وجود منفعت عقلائی و ارزش اقتصادی است (Hilli, 1989). (Khansari, 1984)

مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که وی در موارد مختلف، عرف را مرجع اصلی تشخیص مالیت معرفی می‌کند (Najafi, 1989). بر همین مبنا، تحول تاریخی مفهوم مال در فقه و حقوق امری کاملاً طبیعی است. بسیاری از اموالی که امروزه ارزش اقتصادی فراوان دارند، در گذشته فاقد چنین جایگاهی بوده‌اند. برای نمونه، سهام شرکت‌ها، اوراق بهادار، حقوق مالکیت فکری، حق اختراع، سرقتی و حتی برخی حقوق مالی نوین در گذشته سابقه‌ای نداشته‌اند، اما به تدریج با گسترش روابط اقتصادی و پذیرش عرفی، در شمار اموال قرار گرفته‌اند. از این منظر، نوظهور بودن یک پدیده به تنهایی نمی‌تواند مانع شناسایی آن به عنوان مال باشد (Gorji, 1982).

این موضوع در خصوص ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مخالفان مالیت رمزارزها گاه به غیرمادی بودن آن‌ها استناد می‌کنند، حال آنکه بررسی مبانی فقهی نشان می‌دهد مادی بودن هرگز شرط تحقق مالیت نبوده است. همان‌گونه که حقوق مالی، منافع، دیون و حقوق مالکیت فکری، علی‌رغم فقدان وجود خارجی محسوس، دارای ارزش اقتصادی هستند و موضوع مالکیت قرار می‌گیرند، ارزش‌های دیجیتال نیز در صورت برخورداری از ارزش اقتصادی و پذیرش عرفی می‌توانند واجد وصف مالیت باشند. در واقع، معیار اصلی آن است که آیا عقلاً حاضرند در برابر تحصیل آن مال یا عوض پرداخت کنند یا خیر؛ و واقعیت بازارهای جهانی رمزارزها نشان می‌دهد که چنین شرطی درباره بسیاری از ارزش‌های دیجیتال مشهور تحقق یافته است. علاوه بر این، عرف مورد نظر در فقه امامیه صرفاً عرف محلی یا محدود به یک جامعه خاص نیست، بلکه عرف عقلایی و متعارف میان مردم در روابط اقتصادی ملاک عمل قرار می‌گیرد. در عصر جهانی‌شدن اقتصاد و توسعه فناوری‌های ارتباطی، شکل‌گیری بازارهای بین‌المللی ارزش‌های دیجیتال و مشارکت میلیون‌ها کاربر در مبادلات مبتنی بر بلاک‌چین، خود نشانه‌ای از تحقق پذیرش عرفی

این دارایی‌ها در سطح گسترده است. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران معاصر معتقدند که پذیرش عمومی رمزارزها در عرف اقتصادی جهانی، یکی از مهم‌ترین ادله اثبات مالیت آن‌ها محسوب می‌شود.

البته نقش عرف در احراز مالیت مطلق نیست. عرف تنها زمانی می‌تواند مبنای شناسایی یک دارایی قرار گیرد که موضوع مورد نظر دارای منفعت عقلایی و مشروع نیز باشد. به عبارت دیگر، صرف رغبت عمومی برای تحقق مالیت کافی نیست، بلکه منفعت مورد نظر باید از دیدگاه شرع نیز مشروع باشد. از این رو، اگر دارایی‌ای صرفاً در جهت مقاصد نامشروع مورد استفاده قرار گیرد، پذیرش عرفی آن برای تحقق مالیت کافی نخواهد بود. بنابراین، در مورد ارزش‌های دیجیتال نیز علاوه بر پذیرش عرفی، باید مشروعیت منافع و کارکردهای اقتصادی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در مجموع، می‌توان گفت که عرف یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی شناسایی اموال نوظهور است و نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه مفهوم مال در فقه امامیه ایفا می‌کند. بر پایه این مبنا، ارزش‌های دیجیتال و بسیاری از دارایی‌های مجازی، در صورتی که از ارزش اقتصادی، منفعت عقلایی و پذیرش عرفی برخوردار باشند، می‌توانند واجد وصف مالیت شناخته شوند. همین ظرفیت پویا و انعطاف‌پذیر فقه امامیه است که امکان مواجهه با پدیده‌های جدید اقتصادی و فناوری‌های نوظهور را فراهم ساخته و زمینه تطبیق قواعد سنتی با نیازهای عصر دیجیتال را مهیا می‌کند.

جایگاه مال در حقوق ایران

حقوق ایران نیز در زمینه مفهوم مال، تا حد زیادی از مبانی فقهی پیروی کرده است. اگرچه قانون مدنی تعریف مستقلی از مال ارائه نمی‌کند، اما از مجموعه مقررات مربوط به مالکیت، معاملات و تعهدات می‌توان دریافت که قانون‌گذار مفهوم مال را به اشیای مادی محدود نساخته است.

منفعت عقلایی و کارکرد اقتصادی ارزشهای دیجیتال

یکی از مهم‌ترین معیارهای تحقق مالیت در فقه امامیه، برخورداری شیء از منفعت عقلایی است. مقصود از منفعت عقلایی آن است که عرف جامعه برای یک پدیده فایده‌ای قابل اعتنا تشخیص دهد و افراد برای دستیابی به آن حاضر به پرداخت عوض باشند (Mohaqeq Damad, 2002). در خصوص ارزشهای دیجیتال، امروزه کارکردهای اقتصادی متعددی قابل مشاهده است. این دارایی‌ها در بسیاری از کشورها به‌عنوان وسیله انتقال ارزش، ابزار پرداخت، روش حفظ سرمایه و موضوع سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. افزون بر این، فناوری بلاک‌چین امکان انتقال دارایی را بدون نیاز به واسطه‌های سنتی فراهم ساخته و همین ویژگی موجب استقبال گسترده فعالان اقتصادی از این ابزار شده است (Hasanzadeh et al., 2017).

برخی پژوهشگران معتقدند که گسترش روزافزون استفاده از رمزارزها در مبادلات اقتصادی، خود مهم‌ترین دلیل بر وجود منفعت عقلایی آن‌هاست؛ زیرا اگر این دارایی‌ها فاقد منفعت واقعی بودند، چنین اقبالی از سوی فعالان اقتصادی نسبت به آن‌ها شکل نمی‌گرفت (Mirzakhani, 2017). از این رو، به نظر می‌رسد شرط منفعت عقلایی در مورد بسیاری از ارزشهای دیجیتال مشهور به روشنی قابل احراز باشد.

ارزش اقتصادی و قابلیت مبادله

دومین رکن مالیت، وجود ارزش اقتصادی است. در فقه و حقوق، زمانی می‌توان یک پدیده را مال تلقی کرد که اشخاص حاضر باشند برای تحصیل آن هزینه پرداخت کنند و امکان مبادله آن در بازار وجود داشته باشد (Jafari Langroudi, 1994). واقعیت‌های اقتصادی موجود نشان می‌دهد که ارزشهای دیجیتال دارای ارزش اقتصادی قابل توجهی هستند. ارزش بازار برخی رمزارزها به صدها میلیارد دلار می‌رسد و روزانه حجم گسترده‌ای از معاملات در صرافی‌های دیجیتال انجام می‌شود. افزون بر این، در بسیاری از

جغرافیای لنگرودی مال را چیزی می‌داند که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت اختصاص به شخص معین را داشته باشد (Jafari, 2007). دکتر کاتوزیان نیز معتقد است مال هر چیزی است که در روابط اجتماعی ارزش اقتصادی داشته و قابل مبادله باشد (Katouzian, 2007b).

در حقوق معاصر، قلمرو اموال به تدریج توسعه یافته و بسیاری از دارایی‌های غیرمادی نیز در زمره اموال قرار گرفته‌اند. پذیرش حق اختراع، حق تألیف، علائم تجاری، سرقفلی، سهام شرکت‌ها و مطالبات مالی به‌عنوان مال، نشان می‌دهد که معیار اصلی در شناسایی مال، ارزش اقتصادی و قابلیت انتساب آن به شخص معین است، نه مادی بودن موضوع (Sadeghi Neshat, 1997)؛ (Safaei, 2010).

از همین رو، برخی حقوق‌دانان معتقدند که مفهوم مال در حقوق جدید بیش از هر چیز بر ارزش اقتصادی استوار است و هر پدیده‌ای که بتواند موضوع دادوستد و بهره‌برداری اقتصادی قرار گیرد، قابلیت ورود به قلمرو اموال را خواهد داشت (Shahidi, 2007).

تحلیل وضعیت ارزشهای دیجیتال از منظر مالیت

پس از تبیین معیارهای مالیت در فقه امامیه و حقوق ایران، اکنون باید بررسی شود که آیا ارزشهای دیجیتال می‌توانند تحت عنوان «مال» قرار گیرند یا خیر. اهمیت این بحث از آن جهت است که پذیرش یا عدم پذیرش مالیت رمزارزها، مبنای بسیاری از آثار حقوقی، از جمله امکان تعیین آن‌ها به‌عنوان مهریه را تشکیل می‌دهد. در واقع، چنانچه ارزشهای دیجیتال واجد وصف مالیت شناخته شوند، اصل قابلیت قرار گرفتن آن‌ها در زمره موضوعات مهریه نیز قابل پذیرش خواهد بود؛ هرچند بررسی سایر شرایط صحت مهر همچنان ضروری است.

رمزارزها از حیث قابلیت تملک تفاوتی اساسی با سایر اموال غیرمادی ندارند (Naserian & Farmanesh, 2026).

دیدگاه‌های مخالف درباره مالیت ارزهای دیجیتال

با وجود دلایل یادشده، برخی نویسندگان و پژوهشگران نسبت به پذیرش مالیت رمزارزها تردیدهایی مطرح کرده‌اند. مهم‌ترین استدلال آنان آن است که ارزهای دیجیتال فاقد پشتوانه فیزیکی یا حاکمیتی هستند و ارزش آن‌ها عمدتاً بر پایه اعتماد کاربران شکل گرفته است. به اعتقاد این گروه، دارایی‌ای که فاقد پشتوانه عینی باشد، ممکن است از ثبات لازم برای شناسایی به‌عنوان مال برخوردار نباشد (Nasr Azadani & Zolikhaei, 2023). همچنین برخی از مخالفان به نوسانات شدید قیمت رمزارزها اشاره کرده و معتقدند که بی‌ثباتی اقتصادی این دارایی‌ها با مفهوم مال پایدار سازگار نیست (Roshan et al., 2019).

با این حال، این استدلال‌ها با انتقاداتی مواجه شده‌اند. نخست آنکه وجود پشتوانه فیزیکی در فقه و حقوق هرگز شرط تحقق مالیت نبوده است؛ چنان‌که بسیاری از حقوق مالی، سهام شرکت‌ها و مالکیت‌های فکری فاقد پشتوانه عینی هستند، اما در زمره اموال قرار می‌گیرند. دوم آنکه نوسان ارزش نیز لزوماً مانع مالیت نیست؛ زیرا بسیاری از اموال شناخته‌شده، مانند سهام، ارزهای خارجی و فلزات گرانبها، نیز با نوسانات شدید قیمتی مواجه‌اند، اما مالیت آن‌ها مورد تردید قرار نمی‌گیرد.

مجموع مباحث فوق نشان می‌دهد که ارزهای دیجیتال در بسیاری از مصادیق خود، واجد عناصر اصلی مالیت، یعنی منفعت عقلایی، ارزش اقتصادی معاصر نیز آن‌ها را به‌عنوان دارایی قابل مبادله و دارای ارزش مالی پذیرفته است. هرچند برخی ابهامات در خصوص ثبات ارزش، نحوه تنظیم‌گری و مشروعیت برخی کاربردهای رمزارزها همچنان وجود دارد، اما این ابهامات ناظر به آثار و محدودیت‌های استفاده از این دارایی‌هاست و لزوماً اصل مالیت آن‌ها را نفی

کشورها اشخاص حقیقی و حقوقی بخشی از دارایی‌های خود را به رمزارزها اختصاص داده‌اند و آن‌ها را به‌عنوان بخشی از سبد سرمایه‌گذاری خود نگهداری می‌کنند (Nouri & Navabpour, 2018).

از منظر حقوقی نیز ارزش اقتصادی یک دارایی لزوماً وابسته به شناسایی رسمی دولت‌ها نیست. همان‌گونه که بسیاری از اموال عرفی پیش از مداخله قانون‌گذار دارای ارزش اقتصادی بوده‌اند، رمزارزها نیز می‌توانند به واسطه پذیرش عمومی و گردش اقتصادی گسترده، واجد ارزش مالی تلقی شوند (Khademan et al., 2021).

بنابراین، صرف‌نظر از اختلاف دیدگاه‌ها درباره ماهیت حقوقی رمزارزها، تردیدی در وجود ارزش اقتصادی آن‌ها وجود ندارد و همین امر یکی از مهم‌ترین دلایل موافقان مالیت ارزهای دیجیتال محسوب می‌شود.

قابلیت اختصاص و سلطه انحصاری مالک

یکی دیگر از عناصر اساسی مالیت، قابلیت اختصاص و تملک است. دارایی باید به گونه‌ای باشد که بتوان آن را به شخص معینی منتسب کرد و دیگران را از تصرف در آن منع نمود (Naini, 1992). در ارزهای دیجیتال، این ویژگی از طریق ساختار فنی بلاک‌چین تأمین می‌شود. مالک رمزارز با در اختیار داشتن کلید خصوصی کیف پول دیجیتال، سلطه انحصاری بر دارایی خود پیدا می‌کند و هیچ شخص دیگری بدون دسترسی به این کلید، امکان انتقال یا تصرف در آن را ندارد (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021).

در حقیقت، اگرچه موضوع مالکیت در اینجا ماهیتی فیزیکی ندارد، اما رابطه‌ای از سلطه و اختصاص میان شخص و دارایی ایجاد می‌شود که از حیث آثار حقوقی شباهت زیادی به مالکیت اموال سستی دارد. به همین دلیل، بسیاری از نویسندگان معتقدند که

در طول زمان زمینه شناسایی بسیاری از اموال غیرمادی را فراهم کرده و قلمرو مالکیت را فراتر از اشیای فیزیکی گسترش داده‌اند. بر همین مبنا، ارزشهای دیجیتال و بخش قابل توجهی از دارایی‌های مجازی، دست‌کم در سطح نظری، واجد عناصر اصلی مالیت به نظر می‌رسند. با این حال، احراز مالیت به‌تنهایی برای امکان تعیین آن‌ها به‌عنوان مهریه کافی نیست؛ زیرا موضوع مهر افزون بر مالیت، باید واجد شرایط دیگری مانند مشروعیت، قابلیت تسلیم، معلوم بودن و خالی بودن از غرر نیز باشد. از این‌رو، در بخش بعدی، شرایط فقهی و حقوقی صحت مهریه و میزان انطباق آن‌ها با ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی شرایط فقهی و حقوقی صحت مهریه و انطباق آن بر ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی

صرف احراز مالیت ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی برای پذیرش آن‌ها به‌عنوان مهریه کافی نیست. اگرچه ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد که هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک باشد می‌تواند مهر قرار گیرد، اما مطالعه منابع فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که موضوع مهریه افزون بر مالیت، باید شرایط دیگری را نیز دارا باشد. فقهای امامیه در بحث مهر، علاوه بر مالیت، بر مشروعیت منفعت، قابلیت تملک، معلوم بودن، امکان تسلیم و خالی بودن مورد مهر از جهالت و غرر تأکید کرده‌اند (Najafi, 1989)؛ (Hilli, 1989). در حقوق ایران نیز این شرایط از مقررات مربوط به مهر و قواعد عمومی معاملات قابل استنباط است (Emami, 2007).

برای پاسخ‌گویی دقیق به مسئله اصلی پژوهش، باید بررسی شود که آیا ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی، علاوه بر برخورداری از وصف مالیت، سایر شرایط لازم برای قرار گرفتن در جایگاه مهریه را نیز دارا هستند یا خیر.

نمی‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به مبانی فقه امامیه، معیارهای حقوق مدنی ایران و واقعیت‌های اقتصادی موجود، اصل مالیت ارزشهای دیجیتال قابل پذیرش است و این دارایی‌ها می‌توانند در زمره اموال قرار گیرند. این نتیجه، زمینه لازم برای بررسی قابلیت تعیین ارزشهای دیجیتال به‌عنوان مهریه و ارزیابی سایر شرایط فقهی و حقوقی مربوط به آن را فراهم می‌سازد.

جایگاه دارایی‌های مجازی غیر از رمزارزها

بحث مالیت صرفاً به ارزشهای دیجیتال محدود نیست. امروزه دارایی‌های متنوعی در محیط دیجیتال ایجاد شده‌اند که از ارزش اقتصادی مستقل برخوردارند. توکن‌های غیرمثلی، آثار هنری دیجیتال، زمین‌های متاورسی، دارایی‌های درون بازی‌های رایانه‌ای و برخی حقوق مبتنی بر فناوری‌های نوین، از جمله این موارد هستند.

بررسی بازارهای دیجیتال نشان می‌دهد که بسیاری از این دارایی‌ها موضوع معاملات واقعی قرار گرفته و گاه با قیمت‌های بسیار بالا خرید و فروش می‌شوند (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024). در نتیجه، از منظر اقتصادی نمی‌توان ارزش مالی آن‌ها را نادیده گرفت.

برخی پژوهشگران حقوقی معتقدند که دارایی‌های مجازی نیز همانند سایر اموال غیرمادی، در صورت برخورداری از ارزش اقتصادی، قابلیت انتقال و امکان انتساب به مالک معین، می‌توانند در قلمرو اموال قرار گیرند (Shamshiri & Amirabadi, Farahani, 2023). این دیدگاه به تدریج در مطالعات جدید حقوق فناوری نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (Ansari & Kateb Damghani, 2022).

در نتیجه، بررسی مبانی فقه امامیه و حقوق ایران نشان می‌دهد که مفهوم مال، مفهومی عرفی و پویا است و تحقق آن به وجود عین مادی وابسته نیست. معیارهای اصلی مالیت عبارت‌اند از منفعت عقلایی، ارزش اقتصادی و قابلیت اختصاص و تملک. این معیارها

شرط مالیت و قابلیت تملک

نخستین شرطی که قانون مدنی برای صحت مهر مقرر کرده، مالیت و قابلیت تملک است. مطابق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی، موضوع مهر باید دارای ارزش اقتصادی بوده و امکان تملک آن توسط اشخاص وجود داشته باشد. در فقه امامیه نیز مالیت از ارکان اساسی مهر محسوب می‌شود. محقق حلی در شرایع الاسلام تصریح می‌کند که مهر باید چیزی باشد که در عرف مال محسوب شود و قابلیت تملک داشته باشد (Hilli, 1989). صاحب جواهر نیز در شرح این دیدگاه بیان می‌کند که هر آنچه مال نباشد یا قابلیت تملک نداشته باشد، صلاحیت قرار گرفتن در جایگاه مهر را نخواهد داشت (Najafi, 1989).

همان‌گونه که در بخش پیشین توضیح داده شد، ارزش‌های دیجیتال در عرف اقتصادی معاصر دارای ارزش مالی بوده و موضوع معاملات گسترده قرار گرفته‌اند. همچنین اشخاص می‌توانند از طریق کیف پول‌های دیجیتال بر آن‌ها سلطه اختصاصی داشته باشند و آن‌ها را به دیگری منتقل کنند. از این‌رو، به نظر می‌رسد بخش عمده رمزارزهای شناخته‌شده از حیث مالیت و قابلیت تملک با مانع جدی مواجه نباشند (Khademan et al., 2021). در خصوص سایر دارایی‌های مجازی نیز چنانچه قابلیت انتساب به شخص معین، ارزش اقتصادی و امکان نقل و انتقال وجود داشته باشد، اصل قابلیت تملک قابل احراز خواهد بود. برای نمونه، توکن‌های غیرمثلی، برخی دارایی‌های متاورسی و حقوق مالی دیجیتال در بسیاری از موارد واجد این ویژگی‌ها هستند (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024).

با وجود این، باید توجه داشت که همه دارایی‌های دیجیتال وضعیت یکسانی ندارند. برخی دارایی‌های مجازی ممکن است صرفاً دارای کارکرد تفریحی یا محدود به یک سامانه خاص باشند و فاقد ارزش اقتصادی پایدار تلقی شوند. در چنین مواردی، احراز مالیت و قابلیت تملک نیازمند بررسی موردی خواهد بود.

شرط مشروعیت منفعت

یکی دیگر از شرایط اساسی مهر، مشروع بودن منفعت مورد مهر است. فقها اتفاق نظر دارند که چیزی که منفعت آن از نظر شرع حرام باشد، نمی‌تواند موضوع مهر قرار گیرد (Ansari, 1990). محقق کرکی در این زمینه تصریح می‌کند که هر آنچه شرعاً مال محسوب نشود یا بهره‌برداری از آن ممنوع باشد، صلاحیت قرار گرفتن در جایگاه مهر را ندارد (Mohaqeq Karaki, 1990). امام خمینی نیز در مباحث معاملات بر همین مبنا تأکید می‌کند که مالیت شرعی در کنار مالیت عرفی از شرایط اعتبار موضوع معاملات و تعهدات مالی است (Khomeini, 2000).

درباره ارزش‌های دیجیتال، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در ادبیات فقهی معاصر، مسئله مشروعیت استفاده و معامله آن‌هاست. برخی نویسندگان با استناد به اصل اباحه و نبود دلیل خاص بر حرمت، معاملات رمزارزها را فی‌نفسه مجاز دانسته‌اند (Kheradmand, 2019)؛ (Zare et al., 2022).

در مقابل، گروهی از پژوهشگران به دلیل احتمال استفاده از برخی رمزارزها در فعالیت‌های غیرقانونی، پول‌شویی یا معاملات نامشروع، درباره مشروعیت آن‌ها ابراز تردید کرده‌اند (Mirzakhani, 2017). با این حال، باید میان ذات دارایی و نحوه استفاده از آن تفکیک قائل شد. همان‌گونه که امکان استفاده نامشروع از پول نقد یا سایر اموال موجب خروج آن‌ها از عنوان مال نمی‌شود، صرف احتمال سوءاستفاده از ارزش‌های دیجیتال نیز نمی‌تواند به‌تنهایی مشروعیت اصل دارایی را نفی کند. بر این اساس، در صورتی که رمزارز مورد نظر از نظر قوانین کشور ممنوع اعلام نشده باشد و موضوع فعالیت‌های مجرمانه قرار نگیرد، اصل مشروعیت منفعت آن قابل پذیرش خواهد بود.

شرط معلوم و معین بودن مهر

یکی از مهم‌ترین شرایط صحت مهر، معلوم بودن آن است. هدف از این شرط جلوگیری از بروز اختلاف و نزاع میان زوجین در

ایران نیز امکان تسلیم از شرایط صحت بسیاری از تعهدات مالی محسوب می‌شود (Shahidi, 2007).

در نگاه نخست، ممکن است تصور شود که ماهیت غیرمادی ارزشهای دیجیتال مانعی برای تحقق این شرط ایجاد می‌کند؛ اما در عمل چنین نیست. انتقال رمزارزها از طریق شبکه بلاک‌چین و کیف پول‌های دیجیتال صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد، حتی سریع‌تر و آسان‌تر از انتقال برخی اموال سنتی انجام می‌شود (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021).

البته در برخی موارد ممکن است موانع فنی یا قانونی بر سر راه انتقال وجود داشته باشد. برای مثال، چنانچه دسترسی به کیف پول از بین برود یا دارایی دیجیتال در بستری قرار داشته باشد که امکان انتقال آن وجود نداشته باشد، اجرای تعهد با دشواری مواجه خواهد شد. بنابراین، قابلیت تسلیم باید با توجه به ویژگی‌های هر دارایی به صورت موردی ارزیابی شود.

بررسی شرط غرر و جهالت در مهریه‌های مبتنی بر ارزشهای دیجیتال

یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی در ارزیابی امکان تعیین ارزشهای دیجیتال به عنوان مهریه، بررسی انطباق این دارایی‌ها با قاعده منع غرر و لزوم رفع جهالت در تعهدات مالی است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که مهریه، هرچند از آثار عقد نکاح محسوب می‌شود، اما در ماهیت خود یک تعهد مالی است و همانند سایر تعهدات مالی باید از چنان شفافیت و قطعیتی برخوردار باشد که زمینه بروز اختلاف، نزاع و تضییع حقوق طرفین را از میان ببرد. از این رو، هرگاه موضوع مهریه دارای ابهام مؤثر یا خطر غیرمتعارف باشد، امکان طرح اشکال از حیث غرری بودن آن وجود خواهد داشت.

غرر در فقه امامیه

غرر در لغت به معنای خطر، فریب و قرار گرفتن در معرض هلاکت یا زیان است. فقها با استناد به روایت مشهور «نهی النبی

آینده است. فقهای امامیه معتقدند که مهر باید به گونه‌ای تعیین شود که ابهام مؤثر در آن وجود نداشته باشد (Najafi, 1989).

شهیدی نیز تصریح می‌کند که موضوع تعهد مالی باید به اندازه‌ای معلوم باشد که امکان شناسایی و اجرای آن وجود داشته باشد (Shahidi, 2011). در حقوق ایران نیز معلوم بودن موضوع تعهد از قواعد عمومی قراردادها محسوب می‌شود (Katouzian, 2017).

در خصوص ارزشهای دیجیتال، معلوم بودن مهر معمولاً از طریق تعیین دقیق نوع رمزارز و میزان آن قابل تحقق است. برای مثال، تعیین «یک واحد بیت‌کوین» یا «ده واحد اتریوم» به عنوان مهریه از حیث شناسایی موضوع تعهد با ابهام جدی مواجه نیست.

با این حال، در برخی موارد ممکن است موضوع مهر به صورت کلی یا مبهم تعیین شود؛ برای مثال، عبارت «مقداری رمزارز» یا «دارایی دیجیتال مناسب» فاقد تعیین لازم بوده و می‌تواند موجب بطلان یا ایجاد اختلاف شود. بنابراین، در زمان تعیین مهر باید نوع دارایی دیجیتال، مقدار آن و در صورت لزوم، مشخصات فنی مرتبط به طور دقیق ذکر شود.

در مورد دارایی‌های مجازی غیر از رمزارزها نیز همین قاعده جاری است. چنانچه یک توکن غیرمثلی یا یک قطعه زمین متاورسی به عنوان مهریه تعیین شود، باید مشخصات آن به نحوی ذکر شود که امکان شناسایی دقیق آن وجود داشته باشد.

شرط قابلیت تسلیم

قابلیت تسلیم یکی دیگر از شرایط مهم موضوع مهر است. مقصود از این شرط آن است که زوج بتواند مورد مهر را به زوجه منتقل کند و زوجه نیز امکان استیفای حق خود را داشته باشد (Emami, 2007).

فقها معتقدند مالی که تسلیم آن عرفاً یا عقلاً امکان‌پذیر نباشد، نمی‌تواند موضوع تعهد مالی قرار گیرد (Hilli, 1989). در حقوق

عن بیع الغرر»، غرر را یکی از موانع صحت معاملات دانسته‌اند (Al-Hurr al-Amili, 1988). شیخ انصاری غرر را جهالتی می‌داند که عرفاً موجب مخاطره و احتمال ورود زیان گردد (Ansari, 1990). امام خمینی نیز غرر را ناظر به مواردی می‌داند که طرفین به دلیل ابهام موجود، نتوانند ارزیابی متعارفی از موضوع معامله داشته باشند و در نتیجه، احتمال وقوع نزاع افزایش یابد (Khomeini, 2000).

فقه‌های امامیه اگرچه در تعریف دقیق غرر اختلافاتی دارند، اما در یک نکته اتفاق نظر دارند و آن اینکه هر جهالتی موجب غرر نیست؛ بلکه جهالتی مؤثر است که به اندازه‌ای باشد که عرف آن را منشأ خطر و نزاع بداند (Iravani, 1985)؛ (Khansari, 1984). بنابراین، میان صرف وجود احتمال سود و زیان و تحقق غرر فقهی تفاوت وجود دارد.

جایگاه غرر در مهریه

در فقه امامیه، اگرچه عقد نکاح از بسیاری از احکام خاص معاملات تبعیت نمی‌کند، اما مشهور فقها معتقدند موضوع مهر باید معلوم و معین باشد؛ زیرا مهریه یک حق مالی است و ابهام شدید در آن می‌تواند منشأ اختلاف گردد (Najafi, 1989). بر همین اساس، تعیین مالی که مجهول مطلق باشد یا قابلیت شناسایی نداشته باشد، صحیح نخواهد بود (Hilli, 1989).

قانون مدنی نیز به تبعیت از همین مبنا، بر معلوم بودن مورد مهر تأکید کرده است. هرچند ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی به صراحت از واژه غرر استفاده نکرده، اما شرط مالیت و قابلیت تملک در کنار قواعد عمومی قراردادها، بر ضرورت رفع ابهام از موضوع مهر دلالت دارد (Shahidi, 2011)؛ (Katouzian, 2017).

بنابراین، در بررسی مهریه‌های مبتنی بر رمزارزها باید روشن شود که آیا ویژگی‌های این دارایی‌ها موجب تحقق غرر و جهالت مؤثر می‌شود یا خیر.

۴-۵-۳. نوسانات قیمتی و ادعای غرری بودن ارزهای دیجیتال

مهم‌ترین استدلال مخالفان پذیرش رمزارزها به‌عنوان مهریه، نوسانات شدید قیمت آن‌هاست. برخی نویسندگان معتقدند افزایش یا کاهش ناگهانی ارزش ارزهای دیجیتال موجب می‌شود طرفین نتوانند ارزیابی دقیقی از میزان تعهد مالی داشته باشند و همین امر زمینه غرر را فراهم می‌سازد (Nasr Azadani & Zolikhaei, 2023).

به‌عنوان نمونه، ممکن است ارزش یک واحد رمزارز در زمان انعقاد عقد نکاح مبلغ مشخصی باشد، اما در فاصله کوتاهی چندین برابر افزایش یا کاهش یابد. این وضعیت در نگاه نخست می‌تواند موجب ایجاد عدم تعادل اقتصادی میان زوج و زوجه شود و زمینه اختلافات بعدی را فراهم آورد.

با این حال، بررسی مبانی فقهی نشان می‌دهد که نوسان قیمت به‌تنهایی ملازمه‌ای با غرر ندارد. در بسیاری از معاملات مشروع نیز موضوع معامله دارای ارزش متغیر است. طلا، ارزهای خارجی، سهام شرکت‌ها، کالاهای بورسی و حتی برخی املاک ممکن است در بازه‌های زمانی کوتاه با تغییرات شدید قیمتی مواجه شوند، اما هیچ‌یک صرفاً به دلیل نوسان ارزش، غرری تلقی نمی‌شوند (Soltani-Fard & Mohammadi, 2025).

فقها نیز غرر را به مجهول بودن موضوع معامله مرتبط می‌دانند، نه به تغییرات احتمالی ارزش اقتصادی آن. بنابراین، اگر موضوع تعهد به‌صورت روشن و دقیق مشخص شده باشد، تغییرات بعدی قیمت نمی‌تواند موجب بطلان آن گردد (Mohaqeq Damad, 2002).

جهالت موضوع مهر در ارزهای دیجیتال

مسئله مهم‌تر از نوسان قیمت، احتمال جهالت در تعیین خود رمزارز است. در برخی موارد ممکن است طرفین بدون تعیین دقیق نوع دارایی دیجیتال، صرفاً عبارتهایی نظیر «مقداری رمزارز» یا «چند واحد ارز دیجیتال» را به‌عنوان مهریه ذکر کنند. در چنین وضعیتی، ابهام موجود می‌تواند موجب بطلان شرط مهر شود؛ زیرا

ایراد غرر تا حد زیادی منتفی خواهد بود. از این رو، به نظر می‌رسد مانع اصلی در مهریه قرار گرفتن ارزش‌های دیجیتال، ذات این دارایی‌ها نیست، بلکه نحوه تعیین و توصیف آن‌ها در عقد نکاح است. هرچه میزان شفافیت و تعیین‌پذیری بیشتر باشد، انطباق آن با الزامات فقهی مربوط به رفع غرر و جهالت نیز آسان‌تر خواهد بود. این نتیجه یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی در پذیرش امکان تعیین رمزارزها و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه محسوب می‌شود.

امکان تقویم و اجرای مهریه‌های دیجیتال

یکی از مسائل عملی مهم در تعیین ارزش‌های دیجیتال به‌عنوان مهریه، موضوع تقویم و اجرای آن است. در بسیاری از دعاوی مهریه، دادگاه ناگزیر از تعیین ارزش ریالی مهر یا صدور حکم بر مبنای ارزش روز آن است. در خصوص رمزارزها، نوسانات شدید قیمت می‌تواند در مرحله اجرا چالش‌هایی ایجاد کند. برای مثال، ممکن است ارزش یک واحد بیت‌کوین در زمان عقد با زمان مطالبه تفاوت چشمگیری داشته باشد. این مسئله پرسش‌هایی را درباره مبنای محاسبه و زمان ارزیابی ارزش مهر مطرح می‌کند (Shahri & Mirzaei, 2023). با وجود این، چنین چالش‌هایی منحصر به ارزش‌های دیجیتال نیست و در مورد سکه طلا، ارزش‌های خارجی و سایر اموال دارای نوسان نیز مشاهده می‌شود. از این رو، می‌توان با استفاده از قواعد عمومی اجرای تعهدات و ارزیابی قیمت روز، راهکارهای مناسبی برای حل این مسئله ارائه کرد. بررسی شرایط فقهی و حقوقی صحت مهریه نشان می‌دهد که ارزش‌های دیجیتال و بسیاری از دارایی‌های مجازی، در صورت احراز مالیت، مشروعیت، قابلیت تملک، معلوم بودن و امکان تسلیم، از نظر اصول کلی با موانع اساسی برای قرار گرفتن در جایگاه مهریه مواجه نیستند. با این حال، برخی چالش‌های فقهی و حقوقی همچون مسئله غرر، نوسانات قیمتی، خلأهای قانونی، مشکلات اجرایی و اختلاف دیدگاه‌های فقهی همچنان نیازمند بررسی مستقل و دقیق هستند. از این رو، در بخش بعدی مهم‌ترین چالش‌ها و

نوع، مقدار و ویژگی‌های اساسی مال مشخص نشده است (Shahidi, 2011).

برای جلوگیری از این مشکل، لازم است مشخصات اصلی دارایی دیجیتال به‌طور کامل تعیین شود؛ از جمله: نوع رمزارز، مانند بیت‌کوین یا اتریوم؛ مقدار دقیق آن؛ زمان ارزیابی در صورت نیاز؛ نحوه انتقال و تسلیم؛ و مشخصات کیف پول یا بستر انتقال در موارد ضروری. هرچه میزان شفافیت در تعیین این عناصر بیشتر باشد، احتمال تحقق جهالت و نزاع نیز کاهش خواهد یافت.

تأثیر فناوری بلاک‌چین در کاهش غرر

یکی از ویژگی‌های مهم ارزش‌های دیجیتال که کمتر مورد توجه قرار گرفته، قابلیت بالای شفافیت در ثبت و ردیابی مالکیت است. فناوری بلاک‌چین امکان ثبت دقیق میزان دارایی، تاریخ انتقال و هویت فنی تراکنش‌ها را فراهم می‌سازد. این ویژگی در بسیاری از موارد حتی از اموال سنتی نیز شفاف‌تر است (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021).

در نتیجه، برخلاف تصور اولیه، ارزش‌های دیجیتال لزوماً موجب افزایش ابهام نمی‌شوند؛ بلکه در صورت تنظیم صحیح قرارداد و تعیین دقیق مشخصات دارایی، می‌توانند از شفافیت قابل توجهی برخوردار باشند. به همین دلیل، برخی پژوهشگران معتقدند که فناوری بلاک‌چین نه تنها منشأ غرر نیست، بلکه در مواردی می‌تواند به کاهش اختلافات مالی کمک کند (Kafi Mousavi & Hasankhani, 2025).

بررسی مبانی فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که میان «ریسک اقتصادی» و «غرر فقهی» باید تفکیک قائل شد. نوسان قیمت ارزش‌های دیجیتال هرچند ممکن است ریسک اقتصادی ایجاد کند، اما به‌خودی‌خود موجب تحقق غرر نیست. غرر زمانی محقق می‌شود که موضوع تعهد مجهول، نامعین یا غیرقابل شناسایی باشد. بنابراین، هرگاه نوع رمزارز، میزان آن، نحوه انتقال و سایر ویژگی‌های اساسی دارایی دیجیتال به‌صورت روشن تعیین شود،

ابهامات فقهی و حقوقی تعیین ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

چالش‌ها و ابهامات فقهی و حقوقی تعیین ارزشهای دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه

اگرچه بررسی‌های پیشین نشان داد که ارزشهای دیجیتال و بسیاری از دارایی‌های مجازی، دست‌کم از حیث نظری، می‌توانند واجد شرایط اولیه لازم برای قرار گرفتن در جایگاه مهریه باشند، اما این نتیجه به معنای فقدان چالش‌های فقهی و حقوقی در این زمینه نیست. واقعیت آن است که نوظهور بودن این دارایی‌ها، فقدان نظام تقنینی جامع، اختلاف دیدگاه‌های فقهی و پیچیدگی‌های فنی مرتبط با فناوری‌های نوین موجب شده است که تعیین آن‌ها به‌عنوان مهریه با ابهامات و دشواری‌های متعددی همراه باشد. این چالش‌ها نه تنها در مرحله انعقاد عقد نکاح، بلکه در مراحل مطالبه، اجرا، تقویم، اثبات مالکیت و حتی انتقال مهریه نیز می‌تواند آثار مهمی بر جای گذارند. از این‌رو، تحلیل این موانع و ابهامات برای ارزیابی دقیق امکان‌سنجی فقهی و حقوقی موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

اختلاف دیدگاه‌ها درباره ماهیت فقهی و حقوقی ارزشهای دیجیتال

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، اختلاف‌نظر درباره ماهیت رمزارزها و دارایی‌های مجازی است. هرچند در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده، اما هنوز اتفاق‌نظر کاملی میان فقها و حقوقدانان درباره ماهیت این پدیده‌ها وجود ندارد. برخی پژوهشگران رمزارزها را نوعی مال اعتباری نوین می‌دانند که همانند پول، سهام یا سایر دارایی‌های غیرمادی دارای ارزش اقتصادی است (Khademan et al., 2021). در مقابل، برخی دیگر معتقدند که ارزشهای دیجیتال بیشتر به حقوق مالی یا داده‌های دیجیتالی شباهت دارند و نمی‌توان آن‌ها را در قالب‌های سنتی حقوق اموال جای داد (Sadeghi Amiri, 2022). در فقه نیز دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. گروهی از فقها با تکیه بر

معیار مالیت عرفی، رمزارزها را مشمول عنوان مال دانسته‌اند (Kheradmand, 2019)، در حالی که برخی دیگر به دلیل ابهام در ماهیت، نبود پشتوانه عینی و نوسانات شدید اقتصادی، در پذیرش آن‌ها احتیاط کرده‌اند (Nasr Azadani & Zolikhaei, 2023). این اختلاف‌نظرها به‌طور مستقیم بر موضوع مهریه اثرگذار است؛ زیرا تا زمانی که وضعیت ماهوی این دارایی‌ها به‌صورت روشن تبیین نشود، امکان ارائه راه‌حل‌های قطعی در خصوص تعیین آن‌ها به‌عنوان مهر نیز دشوار خواهد بود.

چالش نوسانات شدید ارزش اقتصادی

یکی از مهم‌ترین ایرادهایی که نسبت به تعیین رمزارزها به‌عنوان مهریه مطرح می‌شود، نوسانات شدید قیمت آن‌هاست. برخلاف بسیاری از اموال سنتی، ارزش برخی ارزشهای دیجیتال ممکن است در فاصله زمانی کوتاهی افزایش یا کاهش چشمگیری پیدا کند. برای مثال، در برخی دوره‌ها ارزش یک رمزارز طی چند ماه چند برابر شده و در دوره‌ای دیگر بخش قابل توجهی از ارزش خود را از دست داده است (Rajabi, 2018). این وضعیت می‌تواند در روابط مالی زوجین آثار مهمی ایجاد کند. از یک سو، افزایش شدید ارزش رمزارز ممکن است تعهدات مالی زوج را به میزان غیرقابل پیش‌بینی افزایش دهد و از سوی دیگر، کاهش شدید ارزش آن می‌تواند موجب کاهش کارکرد حمایتی مهریه برای زوجه شود. این مسئله به‌ویژه در مواردی اهمیت می‌یابد که فاصله زمانی میان عقد و مطالبه مهریه طولانی باشد. البته باید توجه داشت که نوسان ارزش اقتصادی اختصاص به ارزشهای دیجیتال ندارد و در بسیاری از اموال دیگر، مانند طلا، ارز خارجی، سهام و حتی برخی کالاهای سرمایه‌ای، نیز مشاهده می‌شود. با این حال، دامنه نوسانات رمزارزها معمولاً بیشتر از اموال متعارف است و همین امر حساسیت موضوع را افزایش می‌دهد (Shahri & Mirzaei, 2023).

ابهام در وضعیت قانونی رمزارزها در حقوق ایران

یکی دیگر از چالش‌های مهم، فقدان مقررات جامع و شفاف درباره ارزهای دیجیتال در نظام حقوقی ایران است. اگرچه در سال‌های اخیر برخی مقررات پراکنده درباره استخراج یا فعالیت‌های مرتبط با رمزارزها تصویب شده، اما هنوز قانون جامعی که وضعیت حقوقی این دارایی‌ها را به‌طور کامل مشخص کند، وجود ندارد (Nouri & Navabpour, 2018). این خلأ تقنینی می‌تواند در دعاوی مرتبط با مهریه مشکلاتی ایجاد کند. برای مثال، ممکن است در مرحله مطالبه یا اجرای مهریه، دادگاه با پرسش‌هایی درباره نحوه ارزیابی، انتقال یا توقیف رمزارزها مواجه شود؛ پرسش‌هایی که پاسخ صریحی در قوانین فعلی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. افزون بر این، تغییر احتمالی سیاست‌های تقنینی یا نظارتی در آینده نیز می‌تواند بر وضعیت این دارایی‌ها تأثیر بگذارد. در نتیجه، نبود چارچوب قانونی روشن یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد نااطمینانی در تعیین ارزهای دیجیتال به‌عنوان مهریه محسوب می‌شود (Mobiniazad & Jazayeri, 2022).

دشواری‌های اثبات مالکیت و دسترسی به دارایی‌های دیجیتال

در نظام‌های سنتی، مالکیت بسیاری از اموال از طریق اسناد رسمی، مدارک ثبت‌شده یا تصرف خارجی قابل اثبات است؛ اما در خصوص دارایی‌های دیجیتال، مسئله اثبات مالکیت و دسترسی به دارایی گاه با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است. مالکیت رمزارزها معمولاً از طریق کنترل کلید خصوصی کیف پول دیجیتال تحقق می‌یابد. در صورتی که مالک کلید خصوصی را از دست بدهد یا دسترسی به آن غیرممکن شود، بازیابی دارایی در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نخواهد بود (Morad Najafabadi & Kafi, 2021). این وضعیت می‌تواند در پرونده‌های مهریه مشکلاتی ایجاد کند. برای مثال، اگر زوج مدعی انتقال رمزارز به زوجه باشد یا زوجه ادعای عدم دریافت آن را مطرح کند، اثبات این ادعاها نیازمند بررسی‌های فنی و تخصصی خواهد بود.

همچنین در صورت مفقود شدن کلیدهای دسترسی، اجرای تعهد با موانع عملی مواجه می‌شود.

چالش‌های ناشی از ماهیت فراملی دارایی‌های دیجیتال

ارزهای دیجیتال و بسیاری از دارایی‌های مجازی، برخلاف اموال سنتی، محدود به قلمرو جغرافیایی خاصی نیستند. این دارایی‌ها در شبکه‌های جهانی و غیرمتمرکز جریان دارند و معمولاً وابستگی مستقیمی به نظام حقوقی یک کشور ندارند (Tavakoli-Rad & Miri, 2021). این ویژگی هرچند از منظر اقتصادی مزایایی به همراه دارد، اما از منظر حقوقی چالش‌هایی نیز ایجاد می‌کند. برای مثال، در مواردی که دارایی در بسترهای خارجی نگهداری می‌شود یا اختلافی درباره انتقال آن پدید می‌آید، تعیین قانون حاکم، مرجع صالح و نحوه اجرای احکام ممکن است با دشواری همراه باشد. در حوزه مهریه نیز این مسئله می‌تواند اهمیت پیدا کند؛ زیرا در برخی موارد، وصول یا انتقال دارایی دیجیتال مستلزم همکاری پلتفرم‌ها یا سامانه‌هایی است که خارج از قلمرو حاکمیت ملی فعالیت می‌کنند.

امکان سوءاستفاده و مخاطرات امنیتی

از دیگر دغدغه‌های مطرح‌شده درباره رمزارزها، احتمال سوءاستفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه یا مخاطرات امنیتی مرتبط با فضای سایبری است. برخی مطالعات به امکان استفاده از رمزارزها در پول‌شویی، کلاهبرداری‌های اینترنتی یا انتقال غیرقانونی سرمایه اشاره کرده‌اند (Abolmaali al-Hosseini & Fathi, 2017). همچنین خطر هک شدن کیف پول‌های دیجیتال، از بین رفتن اطلاعات دسترسی یا وقوع حملات سایبری می‌تواند دارایی‌های دیجیتال را با تهدید مواجه کند (Ansari & Kateb, 2009 "Computer Crimes Act"); البته این مخاطرات به معنای نامشروع بودن اصل دارایی نیست، اما ضرورت اتخاذ تدابیر حقوقی و فنی مناسب را در زمان تعیین چنین اموالی به‌عنوان مهریه نشان می‌دهد. (Damghani, 2022).

چالش‌های مربوط به دارایی‌های مجازی غیر از رمزارزها

ابهامات موجود تنها به ارزهای دیجیتال محدود نمی‌شود. در مورد سایر دارایی‌های مجازی، مانند زمین‌های متاورسی، توکن‌های غیرمثلی و دارایی‌های مبتنی بر پلتفرم‌های دیجیتال، نیز مسائل خاصی مطرح است. برای مثال، ارزش اقتصادی زمین‌های مجازی معمولاً وابسته به بقای پلتفرم مربوطه است و در صورت توقف فعالیت آن سامانه، ارزش دارایی ممکن است به‌طور کامل از بین برود (Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023).

همچنین در برخی موارد، مالکیت دارایی دیجیتال صرفاً بر اساس قراردادهای خصوصی میان کاربران و پلتفرم‌ها شکل می‌گیرد و وضعیت حقوقی آن در نظام‌های ملی کاملاً روشن نیست (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024). این ویژگی‌ها موجب می‌شود که ارزیابی دارایی‌های مجازی برای قرار گرفتن در جایگاه مهریه نیازمند دقت بیشتری نسبت به اموال سنتی باشد.

بررسی چالش‌ها و ابهامات موجود نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع عملی و نظری تعیین ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه عبارت‌اند از: اختلاف در تحلیل ماهیت حقوقی و فقهی این دارایی‌ها، نوسانات شدید ارزش اقتصادی، فقدان مقررات جامع قانونی، دشواری‌های اثبات مالکیت، مخاطرات امنیتی، ماهیت فراملی دارایی‌های دیجیتال و ابهامات مرتبط با برخی دارایی‌های مجازی نوظهور.

با وجود این چالش‌ها، هیچ‌یک از موانع یادشده لزوماً به معنای عدم امکان تعیین ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه نیست؛ بلکه بیشتر ناظر بر ضرورت تنظیم ضوابط و چارچوب‌های حقوقی مناسب برای استفاده از این دارایی‌ها در روابط خانوادگی است. از این رو، پس از بررسی مبانی، شرایط و چالش‌های موجود، لازم است در بخش بعدی به ارزیابی نهایی و ارائه راهکارهای فقهی و حقوقی برای تعیین ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

تحولات شتابان فناوری‌های نوین و گسترش اقتصاد دیجیتال، بسیاری از مفاهیم سنتی حقوق خصوصی را با چالش‌ها و پرسش‌های تازه‌ای مواجه ساخته است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تحول، ظهور ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان اشکال جدیدی از ثروت و ارزش اقتصادی است که امروزه بخش قابل توجهی از مبادلات مالی و سرمایه‌گذاری‌های جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. توسعه این پدیده‌ها موجب شده است که نهادهای سنتی حقوقی، از جمله نهاد مهریه در حقوق خانواده، نیز در معرض بازاندیشی و تطبیق با واقعیت‌های جدید اقتصادی قرار گیرند. پژوهش حاضر با هدف بررسی امکان‌سنجی فقهی و حقوقی تعیین ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه، کوشید با بهره‌گیری از مبانی فقه امامیه، قواعد حقوق مدنی ایران و مطالعات نوین حوزه حقوق فناوری، به تحلیل ابعاد مختلف این مسئله بپردازد.

بررسی مفهوم مال در فقه امامیه و حقوق ایران نشان داد که هیچ‌یک از این دو نظام، مالیت را منحصر به اشیای مادی و محسوس نمی‌دانند. معیارهای اساسی تحقق مالیت عبارت‌اند از وجود منفعت عقلایی، ارزش اقتصادی، قابلیت اختصاص و امکان انتفاع مشروع. بر همین اساس، همان‌گونه که در حقوق معاصر بسیاری از حقوق و اموال غیرمادی نظیر سرقفلی، حق اختراع، حق تألیف و سهام شرکت‌ها در زمره اموال قرار گرفته‌اند، غیرمادی بودن ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی نیز به‌خودی‌خود مانع شناسایی آن‌ها به‌عنوان مال محسوب نمی‌شود.

تحلیل ماهیت ارزش‌های دیجیتال نشان داد که این دارایی‌ها در عرف اقتصادی امروز دارای ارزش مبادله‌ای، قابلیت نقل و انتقال، امکان ذخیره ارزش و کارکردهای مالی مشخص هستند. گستردگی معاملات جهانی، پذیرش روزافزون در بازارهای بین‌المللی و شکل‌گیری ساختارهای اقتصادی مبتنی بر بلاک‌چین مؤید آن است

صرف وجود نوسان اقتصادی موجب تحقق غرر نمی‌شود و غرر زمانی مؤثر است که موجب جهل اساسی نسبت به موضوع تعهد گردد، اما در مواردی که نوع دارایی، میزان آن یا ارزش اقتصادی آن به شکل متعارف قابل تعیین نباشد، امکان طرح ایراد غرر وجود خواهد داشت. از این رو، تعیین دقیق نوع رمزارز، مقدار آن، زمان ارزیابی و نحوه انتقال می‌تواند نقش مهمی در رفع این ابهام ایفا کند.

پژوهش همچنین نشان داد که یکی از مهم‌ترین موانع عملی در مسیر پذیرش گسترده رمزارزها به عنوان مهریه، فقدان چارچوب قانونی جامع در حقوق ایران است. اگرچه قوانین موجود به طور صریح تعیین ارزشهای دیجیتال به عنوان مهریه را منع نکرده‌اند، اما نبود مقررات مشخص درباره نحوه ارزیابی، انتقال، توقیف، اجرای تعهد و جبران خسارات ناشی از نوسانات ارزش، می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات قضایی و مشکلات اجرایی شود. در نتیجه، خلأ تقنینی موجود یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی پذیرش عملی این دارایی‌ها در نظام حقوق خانواده ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی معاصر نشان داد که گرایش غالب در میان پژوهشگران جدید به سمت پذیرش اصل مالیت و قابلیت دادوستد رمزارزها حرکت کرده است؛ هرچند در خصوص حدود مشروعیت، شرایط صحت معاملات و آثار حقوقی آن‌ها همچنان اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. این امر بیانگر آن است که نظام فقهی و حقوقی ایران ظرفیت لازم برای مواجهه با این پدیده‌های نوظهور را داراست و می‌تواند از طریق تفسیر پویا از مفاهیم سنتی، پاسخگوی نیازهای عصر دیجیتال باشد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که ارزشهای دیجیتال و بسیاری از دارایی‌های مجازی، در صورت برخورداری از مالیت عرفی، منفعت مشروع، قابلیت تملک، امکان تسلیم و معلوم بودن موضوع، از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران قابلیت قرار گرفتن در

که بخش مهمی از جامعه اقتصادی جهانی این دارایی‌ها را به عنوان اموال دارای ارزش شناسایی کرده است. همچنین بررسی وضعیت دارایی‌های مجازی فراتر از رمزارزها، از جمله توکن‌های غیرمثلی، زمین‌های متاورسی و حقوق دیجیتالی، نشان داد که بسیاری از این دارایی‌ها نیز واجد عناصر اصلی مالیت بوده و می‌توانند موضوع مالکیت خصوصی قرار گیرند.

در ادامه، شرایط مقرر برای صحت مهریه در فقه امامیه و حقوق ایران مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که هر چیزی که دارای مالیت و قابلیت تملک باشد، در اصل می‌تواند موضوع مهریه قرار گیرد. افزون بر مالیت، مشروعیت منفعت، قابلیت تسلیم، معلوم بودن مورد مهر و فقدان موانعی نظیر غرر نیز از شرایط اساسی صحت مهریه به شمار می‌روند. ارزیابی ارزشهای دیجیتال بر اساس این معیارها نشان داد که در بسیاری از موارد، این دارایی‌ها واجد شرایط مزبور هستند و از حیث نظری قابلیت قرار گرفتن در جایگاه مهریه را دارند.

در خصوص شرط مالیت، نتایج پژوهش حاکی از آن است که رمزارزهای معتبر و دارایی‌های مجازی دارای ارزش اقتصادی بالفعل، به دلیل برخورداری از منفعت عقلایی و قابلیت اختصاص، مصداق مال محسوب می‌شوند. همچنین شرط قابلیت تملک نیز از طریق امکان انتساب دارایی به مالک مشخص و کنترل انحصاری آن از طریق ابزارهای فنی قابل تحقق است. از حیث قابلیت تسلیم نیز هرچند ماهیت دیجیتالی این دارایی‌ها شیوه انتقال آن‌ها را از اموال سنتی متمایز ساخته است، اما انتقال در بستر شبکه‌های دیجیتال و امکان استیفای حقوق مالی ناشی از آن‌ها نشان می‌دهد که این شرط نیز در اصل قابل تحقق است.

با وجود این، پژوهش حاضر نشان داد که پذیرش اصل مالیت و قابلیت تملک به تنهایی برای رفع همه ابهامات کافی نیست. مهم‌ترین چالش فقهی مطرح در این زمینه، مسئله غرر و ابهام ناشی از نوسانات شدید ارزش برخی ارزشهای دیجیتال است. هرچند

زمان تعیین این نوع مهریه‌ها، نوع دارایی، میزان دقیق آن، معیار ارزش‌گذاری، زمان محاسبه و شیوه انتقال به صورت صریح در سند نکاح درج شود تا از بروز اختلافات احتمالی در آینده جلوگیری گردد. بدین ترتیب، می‌توان میان الزامات سنتی حقوق خانواده و اقتضائات نوین اقتصاد دیجیتال تعادل برقرار کرد و زمینه بهره‌برداری مشروع و مطمئن از دارایی‌های نوظهور را در روابط خانوادگی فراهم ساخت.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of digital finance and blockchain-based technologies has transformed classical assumptions about property, ownership, exchange, and patrimonial value, particularly within legal systems whose private-law categories were historically shaped around tangible objects and conventional financial rights. The emergence of cryptocurrencies, cryptographic tokens, blockchain-based assets, non-fungible tokens, metaverse lands, and other virtual assets has created new forms of wealth that lack physical embodiment but possess exchange value, transferability, storage capacity, and increasing recognition in economic practice (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021; Nabz-e Danesh Authors, 2019). This transformation raises a significant legal and jurisprudential question in family law: whether such digital and virtual assets can validly be designated as *mahr* in a marriage contract. Under Iranian civil law and Imamiyya jurisprudence, *mahr* is a financial right acquired by the wife upon conclusion of marriage, and Article 1078 of the Iranian Civil Code provides that anything possessing proprietary value and capable of ownership may be stipulated as *mahr* (Emami, 2007;

جایگاه مهریه را دارند و مانع ذاتی یا ماهوی برای تعیین آن‌ها به‌عنوان مهر مشاهده نمی‌شود. با این حال، به دلیل ویژگی‌های خاص این دارایی‌ها، از جمله نوسانات شدید ارزش، پیچیدگی‌های فنی، مخاطرات امنیتی و فقدان مقررات جامع قانونی، پذیرش عملی آن‌ها مستلزم رعایت ضوابط دقیق و تدوین چارچوب‌های حقوقی روشن است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین رویکرد آن باشد که قانون‌گذار و رویه قضایی، ضمن پذیرش اصل امکان تعیین ارزش‌های دیجیتال و دارایی‌های مجازی به‌عنوان مهریه، مقرراتی شفاف درباره نحوه تعیین، ارزیابی، انتقال، اجرا و حمایت از حقوق زوجین در این حوزه تدوین کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود در

Safaei & Emami, 2013). Accordingly, the central issue is not merely whether cryptocurrencies are technologically novel, but whether they satisfy the general requirements of property and the specific legal-jurisprudential requirements of *mahr*. This study therefore examines the feasibility of recognizing digital currencies and virtual assets as *mahr* through a descriptive-analytical method, relying on Imamiyya jurisprudence, Iranian civil law, and contemporary legal literature on digital assets. The conceptual foundation of the inquiry rests on the meaning of “property” and “proprietary value” in Iranian law and Imamiyya jurisprudence. Although the Iranian Civil Code does not provide a comprehensive definition of property, legal doctrine generally defines property as anything that possesses economic value and can be attributed or allocated to a specific person (Jafari Langroudi, 2007; Katouzian, 2007b). This approach has allowed the category of property to expand beyond tangible objects and include financial rights, usufructs, intellectual property, goodwill, shares, claims, and other intangible assets (Sadeghi Neshat, 1997; Safaei, 2010). Imamiyya jurisprudence adopts a similarly flexible understanding, treating proprietary

value as a customary and rational concept rather than a strictly material or physical one. Classical jurists have emphasized rational utility, economic desirability, lawful benefit, and the willingness of reasonable people to exchange value for the object as central indicators of property status (Ansari, 1990; Najafi, 1989). On this basis, the absence of physical embodiment cannot by itself prevent recognition of cryptocurrencies or virtual assets as property. If a digital asset is economically valuable, transferable, capable of being exclusively controlled, and regarded by rational market actors as an object of exchange, it can fall within the functional and jurisprudential scope of property.

Applying these criteria to cryptocurrencies shows that many recognized digital currencies possess the core elements of proprietary value. They are used as instruments for transferring value, investment vehicles, stores of value, and, in some contexts, payment mechanisms (Hasanzadeh et al., 2017; Nouri & Navabpour, 2018). Their value is formed through supply, demand, market confidence, network utility, and user acceptance, and their transfer is enabled through blockchain infrastructure and private-key control (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021). From a legal perspective, several scholars characterize cryptocurrencies as new intangible financial assets whose value derives from social, technical, and economic recognition (Khademan et al., 2021; Sadeghi Amiri, 2022). The same reasoning may extend to other virtual assets, including NFTs, digital artworks, metaverse properties, and platform-based digital rights, provided that they have independent economic value, are attributable to an owner, and can be transferred or controlled (Faezi & Bahram-Arjmand, 2024; Shamshiri & Amirabadi Farahani, 2023). Nevertheless, not all digital items should automatically be treated as valid property for purposes of *mahr*. Some platform-dependent or merely recreational assets may lack stable

value, independent transferability, or legally meaningful ownership. Therefore, the recognition of proprietary value must be assessed on a case-by-case basis, with attention to customary valuation, technical transferability, legal admissibility, and economic function.

Beyond proprietary value, the validity of *mahr* requires additional conditions, including lawful benefit, capability of ownership, determinacy, deliverability, and the absence of effective uncertainty or *gharar*. Imamiyya jurists have consistently maintained that *mahr* must be something capable of ownership and lawful benefit, and that a subject lacking these qualities cannot validly serve as a financial obligation in marriage (Hilli, 1989; Najafi, 1989). In the context of cryptocurrencies, lawful benefit must be distinguished from unlawful use. The possibility that digital currencies may be misused for money laundering, fraud, or illegal transactions does not necessarily negate their intrinsic legal status, just as the possibility of unlawful use does not invalidate money, gold, or other transferable assets in themselves (Abolmaali al-Hosseini & Fathi, 2017; Ansari & Kateb Damghani, 2022). If a given cryptocurrency is not legally prohibited and is not designated for an unlawful transaction, its lawful economic benefit may be accepted. The condition of determinacy can also be satisfied if the parties clearly specify the type and quantity of the asset, such as one Bitcoin or ten Ether, rather than using vague expressions such as “some cryptocurrency.” Likewise, deliverability is not defeated by intangibility, because digital assets can be transferred through wallets, blockchain networks, and private-key mechanisms (Morad Najafabadi & Kafi-Mousavi, 2021). However, if access keys are lost, transfer is technically impossible, or the asset is locked in a non-transferable platform, deliverability may become problematic and must be evaluated in the circumstances of each case.

The most significant jurisprudential challenge concerns *gharar*, especially because cryptocurrencies often experience intense price volatility. Some critics argue that the rapid fluctuation of digital currency prices creates excessive uncertainty and may expose the parties to unpredictable financial consequences (Nasr Azadani & Zolikhaei, 2023; Shahri & Mirzaei, 2023). However, a careful distinction must be drawn between ordinary economic risk and legally relevant *gharar*. In Imamiyya jurisprudence, *gharar* is not established by every possibility of gain or loss; rather, it arises where ignorance or uncertainty concerning the subject matter is so serious that it creates an abnormal risk of dispute or deception (Ansari, 1990; Khomeini, 2000). Price volatility alone does not necessarily invalidate a financial obligation, since many accepted forms of *mahr*, including gold coins, foreign currency, company shares, and other market-based assets, may also fluctuate in value (Soltani-Fard & Mohammadi, 2025). The critical issue is whether the subject of *mahr* is clearly identified and capable of performance. Therefore, if the type of digital asset, quantity, transfer method, and, where necessary, valuation date are clearly stipulated, the objection based on *gharar* is substantially weakened. Blockchain technology may even reduce some forms of uncertainty by providing transparent, traceable, and verifiable records of ownership and transfer (Kafi Mousavi & Hasankhani, 2025). Still, regulatory uncertainty, technical risks, cyber threats, lost access credentials, and the transnational character of blockchain networks remain practical challenges requiring legal safeguards (Mobinizad & Jazayeri, 2022; Tavakoli-Rad & Miri, 2021). In conclusion, digital currencies and many virtual assets are not intrinsically disqualified from being designated as *mahr*. Their legitimacy depends on whether, in each specific case, they possess customary

proprietary value, lawful utility, capability of ownership, deliverability, determinacy, and sufficient freedom from legally significant uncertainty. The intangible nature of these assets is not a decisive objection, because both Iranian law and Imamiyya jurisprudence have long recognized forms of non-physical wealth when they possess rational benefit and economic value. Nevertheless, practical acceptance of digital assets as *mahr* requires caution. The parties should precisely identify the asset, determine its quantity, specify the transfer mechanism, clarify the valuation basis where necessary, and account for technical risks such as loss of private keys or platform restrictions. Judicial practice and legislation should also develop clear rules concerning valuation, enforcement, seizure, proof of ownership, and remedies for non-performance. The most balanced approach is therefore neither absolute rejection nor unconditional acceptance, but conditional recognition based on the general requirements of property and *mahr*. Such an approach enables Iranian family law to respond to the realities of the digital economy while preserving the protective, financial, and legal functions of *mahr* within the marriage contract.

References

- Abolmaali al-Hosseini, S. M. J., & Fathi, S. R. (2017). The Third-Party Doctrine and Obtaining Evidence of Cybercrimes. *Criminal Law Research*, 5(18), 606-646.
- Al-Hurr al-Amili, M. i. H. (1988). *Tafsil Wasa'il al-Shi'ah ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah*. Al al-Bayt.
- Ansari, B., & Kateb Damghani, M. M. (2022). The Legal Regime of Cloud Computing Contracts. *Legal Research, Shahid Beheshti University*, 25(98), 219-244.
- Ansari, M. (1990). *Kitab al-Makasib*. Manshurat Dar al-Dhakhair.
- Computer Crimes Act, (2009).
- Emami, S. H. (2007). *Civil Law* (27th ed.). Eslamiyeh Publications.
- Faezi, M., & Bahram-Arjmand, R. (2024). The Requirement of Financial Value in Real Estate Transactions in the Metaverse from the Perspective of Imami Jurisprudence.

Jurisprudential Research on Emerging Issues, 2(1), 121-140.

- Gorji, A. (1982). *Legal Articles on Ownership in Islam*. University of Tehran.
- Hasanzadeh, A., Mojtahed, A., Baghdadi, P., & Taghizadeh-Hesary, F. (2017). *Modern Money and Banking* (2nd ed.). Jangal (Javidaneh) Publications.
- Hilli, H. i. Y. (1989). *Tadhkirat al-Fuqaha*. Al al-Bayt Institute for Revival of Heritage.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1993). *Lisan al-Arab*. Dar Sader.
- Iravani, A. (1985). *Hashiyat al-Makasib*. Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Islamic Parliament Research, C. (2019). *Report on the Economic and Social Effects of Dowry in Iran*.
- Jafari Langroudi, M. J. (1994). *Property Law*. Ganj-e Danesh.
- Jafari Langroudi, M. J. (2007). *Legal Terminology* (18th ed.). Ganj-e Danesh Library.
- Kafi Mousavi, A., & Hasankhani, A. (2025). A Jurisprudential and Legal Feasibility Study of Designating Cryptocurrencies as Dowry in Marriage Contracts. *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, 29(108), 131-150.
- Katouzian, N. (2007a). *Civil Law: Family* (Vol. 2). Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
- Katouzian, N. (2007b). *Property and Ownership* (17th ed.). Mizan Legal Foundation.
- Katouzian, N. (2017). *General Rules of Contracts* (5th ed., Vol. 2). Ganj-e Danesh Publications.
- Khademan, M., Kousha, A., & Nouri, F. (2021). Identifying the Legal Nature of Cryptocurrencies by Structural Analysis in the Iranian Legal System. *Judiciary Law Journal*, 85(115), 349-372.
- Khansari, S. A. (1984). *Jami' al-Madarik fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'*. Maktabat al-Saduq.
- Kheradmand, M. (2019). A Jurisprudential Study of Cryptocurrency Mining and Exchange with a Focus on the Bitcoin Network. *Islamic Economics Knowledge*(20), 109-124.
- Khomeini, S. R. (2000). *Kitab al-Bay'*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mirzakhani, R. (2017). *Bitcoin and the Financial and Jurisprudential Nature of Virtual Money*.
- Mobinizad, S., & Jazayeri, S. A. (2022). A Study of the Legal Nature, Challenges, and Criminal Titles Related to Cryptocurrency in Iranian Law. *Legal Studies Journal*(30), 75-100.
- Mohaqeq Damad, M. (2002). *Rules of Jurisprudence: Civil Section*. SAMT.
- Mohaqeq Karaki, A. i. H. (1990). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Al al-Bayt Institute for Revival of Heritage.
- Morad Najafabadi, Z., & Kafi-Mousavi, A. (2021). *The Position of Blockchain and Cryptocurrencies in the Modern World: With Emphasis on the Legal and Jurisprudential Challenges of Cryptocurrency*. Odyssey.
- Nabz-e Danesh Authors, G. (2019). *Understanding the Concepts, Investment Methods, and Income Generation from Digital Currencies* (1st ed.). Nabz-e Danesh Publications.
- Naini, M. H. (1992). *Al-Makasib wa al-Bay'*. Islamic Publishing Institute.
- Najafi, M. H. (1989). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Naserian, M. A., & Farmanesh, T. (2026). A Jurisprudential and Legal Feasibility Study of Recognizing Digital Assets as Property in the Iranian Legal System. *Modern Jurisprudence and Law Quarterly*.
- Nasr Azadani, M. J., & Zolikhaei, M. J. (2023). A Study of the Nature of Cryptocurrency and Some of Its Jurisprudential Challenges. *Studies in Imami Jurisprudence*(21), 103-124.
- Nouri, M., & Navabpour, A. (2018). *An Introduction to the Regulation of Cryptocurrencies in Iran's Economy*.
- Raghib Isfahani, H. i. M. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Dar al-Ilm.
- Rajabi, A. (2018). *Virtual Currency: Legislation in Different Countries and Recommendations for Iran*.
- Roshan, M., Mozaffari, M., & Mirzaei, H. (2019). A Study of the Jurisprudential and Legal Status of Bitcoin. *Legal Research Quarterly*(87), 49-78.
- Sadeghi Amiri, H. (2022). *The Nature and Position of Cryptocurrencies and Their Challenges in Iranian Law* [Shahid Bahonar University of Kerman, Faculty of Law and Theology]. Kerman.
- Sadeghi Neshat, A. (1997). *Protection of the Rights of Computer Software Creators*. Plan and Budget Organization, Center for Economic-Social Documents and Publications.
- Safaei, H., & Emami, A. (2013). *Family Law*. University of Tehran.
- Safaei, S. H. (2010). *Introductory Course in Civil Law: Persons and Property*. Mizan Legal Foundation.
- Shahidi, M. (2007). *Civil Law III: Obligations* (11th ed.). Majd Scientific and Cultural Society.
- Shahidi, M. (2011). *Formation of Contracts and Obligations* (8th ed.). Majd Scientific and Cultural Society.
- Shahri, S. R., & Mirzaei, R. (2023). An Analytical Feasibility Study of Designating Cryptocurrencies as Dowry from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Research in Islamic Jurisprudence and Principles of Law*(7), 67-103.
- Shamshiri, A., & Amirabadi Farahani, F. (2023). Trading Virtual Land in the Metaverse and Its Jurisprudential and Legal Challenges. *Studies in Media Jurisprudence and Law*, 5(10), 45-67.
- Soltani-Fard, J., & Mohammadi, A. (2025). A New Inquiry into the Conceptual Scope of the Rule of No Gharar and the Applicability of Buying and

Selling Cryptocurrencies to It. *Islamic Law Research Journal*(66), 837-882.

Tavakoli-Rad, R., & Miri, H.-S. (2021). Transformative Governance: From E-Government to Digital Governance. *Transcendent Governance Quarterly*, 2(7), 115-162.

Zare, M., Mohebbi Pour, N.-K., Ramezani, M., & Khosravi Nia, B. (2022). Digital Currencies from the Perspective of Jurisprudence, with Emphasis on Mining, Transactions, and Legitimacy. *Iranian Political Sociology*(26), 3346-3363.